

عالم پس از مرگ

يك مكتب عالی تربیت ، يك عامل مؤثر



بازدارنده و يك عامل محرك نير و مند .

میدانیم این طرز تفکر مخصوص به این جوان نیست؛ در میان فلاسفه و دانشمندان نیز بعضی خود را به اصطلاح مافوق مذهب! میدانند و عقیده دارند مذهب وسیله تربیتی مؤثری برای مردمی است که در سطوح پائین قرار دارند، اما خودشان بکلی از این تعلیمات بی نیازند!

* * *

ولی گویا اینها توجه ندارند که همیشه جنایات بزرگ را شخصیت‌های بزرگ، و دانشمندان بزرگ، و همان افراد سطوح بالا، انجام میدهند؛ بمبهای اتمی و هیدرژنی را آنها می‌سازند، طرح جنگ‌های الکترونیکی را آنها می‌ریزند نقشه‌های استعمار سیاسی و اقتصادی کشورها را آنها میکشند. خلاصه همین دانشمندان و متفکران هستند که همواره در اختیار قدرتهای جهنمی دنیا

جوان تحصیل کرده‌ای می‌گفت: «من فکر میکنم از وجدان نیرومندی برخوردارم و با داشتن يك وجدان نیرومند به اصول حق و عدالت پای بندم، و باین ترتیب نیازی به مذهب و تعلیمات مذهبی در خود نمی‌بینم، زیرا آنچه را مذهب در پرتو ایمان بخدا و ترس از کیفر و مجازات جهان دیگر، به انسان می‌بخشد من در پرتو وجدان بیدار دارم .

آیا با اینحال فکر نمی‌کنید که ضرورت مذهب برای کسانی باشد که در سطوح پائین تری قرار دارند و بدون يك ایمان نیرومند مذهبی اصلاح نمی‌شوند، و گوشت و پوست یکدیگر را می‌خورند، تازه ایمان مذهبی نیز با تمام قدرتش گاهی نمیتواند آنها را اصلاح کند، بلکه با کلاه‌بازیهای شرعی از همان قوانین در مسیر غلط کاریهایشان، بهره برداری میکنند؟

همانطور که اگر «جنین» عقل داشته باشد و در دوران کوتاه زندگی خود در شکم مادر که دوران سازندگی جسم و جان است - در ساختن خود کوتاهی کند، و با افراط کاریها تقایصی در خود ایجاد نماید، يك عمر طولانی (یکصد ساله مثلاً) باید عواقب آنرا تحمل کنند ورنج ببرد. کسانی که در این زندگی دنیائین در سازندگی خود کوتاهی کنند و با تقایص و عیوب و انواع بیماریهای اخلاقی و روانی گام در جهان دیگر و عالم پس از مرگ بگذارند باید برای همیشه رنج و شکنجه ببینند.

این عقیده میتواند زندگی انسان را بکلی دگرگون کند و بعنوان يك درس عالی تربیتی روح و جان انسان را پرورش دهد، و از آنهمه جنایاتی که از يك انسان مادی ممکن است سر بزند و بعقیده او با فناء و نابودیش همه آنها نیز نابود میشوند، باز دارد.

عقیده به عالم پس از مرگ و بقای اثر اعمال آدمی، هم میتواند يك عامل بازدارنده قوی در برابر گناه و خطا کاری، و هم يك عامل محرک نیرومند برای تشویق به سرمایه گذاری مادی و معنوی در راه خدمت به خلق خدا و نیکیها گردد. اثراتی که ایمان به عالم پس از مرگ میتواند در اصلاح افراد فاسد و منحرف، و تشویق افراد فداکار و مجاهد و لایق بگذارد به مراتب بیش از اثرات **دادگاهها و کیفرهای معمولی**، و بیش از پاداشها و تشویقهای عادی است.

زیرا: از يك سواز مشخصات دادگاه رستاخیز این است که نه تجدید نظر در آن راه دارد، و نه توصیه

بوده هستند و با فروش معلومات و ابتکارات و استمدادهای سرشار خود پایه های استعمار، استبداد؛ و خودکامگی آنها را محکم میسازند.

این موضوع منحصر به دنیای امروز نیست، در گذشته تاریخ نیز همواره در کنار فرعونها، صفی از هامانهای با هوش، و قارونهای دانشمند و ثروتمند که هم پسر عموی موسی است، و هم نماینده فرعون در بنی اسرائیل؛ و هم ثروت کلانی دارد که معتقد است با علم و دانشش آنها را بدست آورده است، و در کنار دست معاویهها، عمرو عاصها و ابوهریرهها، نشسته بودند، بنابراین نیاز دانشمندان و با هوشها و با استمدادها، و افراد سطح بالا، به کنترل مذهب از همه بیشتر است که اینها میتوانند دنیا را به آتش بکشند و یا به سوی صلح رهبری نمایند!

و مردمی که در سطوح پائین هستند غالباً سر بر فرمان آنها بیدومهرهائی در دست آنها که ضررشان بهنگام انحراف بمراتب کمتر و ضعیفتر است.

اما اینها - و بطور کلی همه مردم جهان - اگر ایمان داشته باشند مرگ پایان دفتر زندگی نیست، بلکه آغاز دفتر است و آنچه در این دنیای گذر فقط دیباچه ای بر آن است، همه چیز رنگ ابدیت بخود می گیرد، اعمال و گفتار، نیکیها و بدیها، هیچکدام فانی نمی شوند، و همانها هستند که در زندگی طولانی که در پیش داریم مزاحم و آزاردهنده ما هستند و یا وسیله آرامش و نیکیبختی ما.

کشنده ؛ نسبت به اولی فوق‌العاده علاقه مند و از دومی بسیار وحشت دارد ، او هم هر لحظه که می‌خواهد اقدام به کاری کند آثار قطعی آن عمل را در برابر چشمان خود مجسم می‌بیند !

و به این ترتیب همواره تحت یک مراقبت دائمی و دقیق از درون وجود خویش قرار دارد ، و بطور خودکار در برابر جنایات و تبه‌کاریها و مفاسد کنترل میشود .

* * *

ایمان سریع به این واقعیت انسان را به جایی میرساند که می‌گوید :

(بخدا سوگند اگر شبها تابصبح بستر من نوك خاره‌های جانگداز باشد ، روزها زنجیر دردست و پای من نهند و در کوچه و بازار بکشانند ، از آن خوشتر دارم که دردادگاه بزرگ پروردگار خویش حاضر شوم درحالی که ستمی بر بنده‌ای از بندگان خدا کرده باشم و حق کسی را غصب نموده باشم) (۱)

چنین کسی آهن تفتیده و سوزان نزدیک دست برادرش ، برادری که خواهان تبمبض در بیت‌المال خلق است ، می‌برد ؛ و هنگامیکه از مشاهده این صحنه فریادش بر میخیزد به او اندرز میدهد و می‌گوید :

«تواز شعله آتش کوچکی که بسان بازیچه‌ای در دست انسانی است ، فریادمی‌کشی و فرار میکنی ، اما برادرت را به سوی آتشی می‌کشانی که شعله قهر و غضب پروردگار آنرا برافروخته است» (۲)

و پارتی بازی ، و نه میتوان فکرقضات آنرا با پشت هم اندازی و ارائه مدارک دروغین تغییر داد ، و نه تشریفات آن نیازمند به طول و تفصیل خواهد بود .

بلکه همانطور که مشروحاً خواهیم گفت کیفرها و پاداشها در آن عالم از جهات زیادی شبیه به آثار و خواص طبیعی است ، یعنی همانطور که مثلاً یک داروی شفا بخش ، یا یک «سم کشنده» در تأثیر خود خطا و اشتباه بردار نیست ، و رشوه و توصیه نمیتواند آنرا عوض کند اعمال و کارهای انسان در زندگی پس از مرگ نیز تقریباً چنین وضعی را دارند .

و از سوزن بی‌تنگی در نگاه‌های عادی این جهان که سزای سبب است ، مسأله تشویق مفهوم ندارد ، و مثلاً اگر کسی پنجاه سال از مرز قانون تجاوز نکرده و مرتکب یک خلاف کوچک هم نشده پاداشی در برابر عمل به قانون به او نمیدهند . یعنی پاداشی ندارند که بدهند .

بنابراین ضمانت اجرائی این قوانین یکجانبه است یعنی همیشه سراغ قانون شکن و متجاوز می‌رود ، نه قانون شناس و پای بند به قانون ، در حالی که ضمانت اجرائی قوانین مذهبی دوجانبه است ، و کفه پاداش بهمان اندازه سنگین است که کفه مجازات و کیفر .

بدون شك کسی که مؤمن به چنین جهانی باشد در اصلاح خود ، در انجام اعمال گوناگون فوق‌العاده سختگیر و موشکاف است و همانطور که یک فرد مطلع از خواص داروهای شفا بخش و سموم

نمی کنند در روز بزرگی برانگیخته خواهند شد ؟
روزی که همه مردم در پیشگاه پروردگار حاضر
می شوند، (سوره مطففین - آیه ۵ تا ۷)

۲ - در موارد مختلفی تأکید میکند که تنها
«امید» و «رجاء» به آن جهان برای جلو گیری
از طغیان انسان و ترک لجاجت در برابر حق و انجام
عمل صالح کافی است (توجه داشته باشید در مفهوم
امید و رجاء قطع و یقین نیفتاده است) **فمن كان
يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا**؛ کسی که
امید ملاقات پروردگار دارد باید عمل صالح انجام دهد،
(سوره کهف آیه ۱۱۰) **وقال الذين لا يرجون
لقاءنا لولا انزل علينا الملائكة او نرى
ربنا . . .** آنها که امید ملاقات ما را نداشتند
(از طریق غرور و لجاجت) گفتند چرا فرشتگان
بر ما نازل نمی شوند و خدا را با چشم خود نمی بینیم؟
(فرقان - ۲۴)

۳ - در قرآن مخصوصاً تصریح شده که اعمال و
رفتار و گفتار انسان رنگ ابدی به خود می گیرد،
و در آن جهان همگی در کنار انسان حاضر می شوند
و با او خواهند بود :

**يوم تجد كل نفس ما عملت من خير
محضرا وما عملت من سوء . . .** د آن روز که
انسان هر کار نیک و بدی کرده در برابر خود حاضر
می بیند (آل عمران - ۳۰) و در جای دیگر تأکید
میکند : **« ووجدوا ما عملوا حاضرا »** ؛
« همه اعمال خویش را در حضور خود می یابند »
(کهف - ۴۷)

و به این ترتیب موجی نیرومند از احساس
مسئولیت در برابر همه رویدادهای زندگی در اعماق
روح انسان، انسانی که مؤمن به زندگانی پس از
مرگ است بوجود می آورد .

و هنگامیکه پاره ای از اطرافیان نزدیک بین ،
اورا برای تقویت پایه های حکومتش به تبعیض های
ناروا در جامعه مسلمین دعوت میکنند به آنها
فریاد می زند :

**(وای بر شما ؛ به من می گوئید پیروزی
خود را درستیم کردن به آنها که در پناه
حکومت من زندگی میکنند جستجو کنم ؟
بخدا سوگند تا ستاره ای در آسمان
می درخشد چنین نخواهم کرد) !!**

راستی اگر همه زمامداران جهان ، و همه مردم
عادی گوشه ای از این ایمان صریح و قاطع در اعماق
وجودشان روشن باشد دنیای ما چه قیافه ای خواهد
داشت ؟ . آیا اثری از این خودخواهیها ،
خودکامگیها ، خود پرستیها و ظلم و
تجاوزها در آن خواهد بود؟

* * *

به همین دلیل همه ادیان و مذاهب آسمانی برای
تربیت افراد و اصلاح اجتماعات ، کوشش وسیعی
برای پرورش ایمان به عالم پس از مرگ ؛ در دل
مردم ، به عمل آورده اند .

مخصوصاً در قرآن قسمت مهمی از مسائل تربیتی
از همین راه تعقیب میشود و به همین جهت تعجب آور
نیست اگر بشنویم در قرآن در حدود ۱۳۰۰ مرتبه
به این مسأله و خصوصیات آن اشاره شده است که
از میان آنها به چند تعبیر جالب اشاره می کنیم :
۱ - قرآن می گوید : نه تنها ایمان و یقین قطعی
به آن روز بزرگ برای تربیت انسان کافی است ؛
بلکه **«ظن و گمان»** به آنها اثر عمیق دارد :
**الايظن اولئك انهم مبعوثون ليوم
عظيم يوم يقوم الناس لرب العالمين** ؛
« آیا این کم فروشان که حق خود را بطور کامل
می گیرند و حق مردم را به آنها نمی دهند گمان